

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M522 ISSN-P: 2538-3701

مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده یا رئیس جمهور) در برابر مردم از نظر فقهی و حقوقی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر عبدالحمید فلاح نژاد^۱

استادیار دانشگاه پیام نور خرم آباد

سید مصطفی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز خرم آباد

سوگند پودات

کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شناسایی مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده) در برابر مردم در اداره کشور از نظر فقهی - حقوقی است. در این تحقیق تلاش می‌شود مطالب مرتبط با آثار فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی نمایندگان در برابر مردم مورد بحث قرار می‌گیرد و لذا از روش توصیفی - استنباطی بهره برده است. در خصوص ماهیت نمایندگی در فقه سیاسی، سه نظریه مطرح است: عده‌ای معتقدند رابطه بین مردم و نماینده، همانند رابطه مردم با نقیب و عریف است. عده‌ای دیگر نمایندگی را قابل تطبیق بر عنوان کارگزار ولی فقیه می‌دانند. دسته سوم یا اکثریت، نمایندگی را با عقد و کالت تطبیق داده‌اند. در مورد مسئولیت مدنی «نماینده یا رئیس جمهور» در مقابل مردم (ملت) و شرع (خداوند)، می‌توان بیان نمود، اگرچه نظام فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی منتخبان و نمایندگان در ایران، نسبت به بسیاری از نظام‌ها و مکاتب، از ظرفیت خوبی برخوردار است؛ اما پالایش قوانین موضوعه و همسو سازی آن با قواعد فقهی و در نهایت ایجاد یک تئوری شفاف و مساله اساسی سازی حق بهره‌مندی از مسئولیت مدنی، به

^۱ نویسنده مسئول

۶۴۵



ویژه درباره مسئولیت مدنی نماینده و قانون‌گذار، مورد پیشنهادی این پژوهش است، چرا که تلاش برای حفظ حداکثری حقوق شهروندان، مهمترین وظیفه منتخبان مردم (نماینده) به شمار می‌رود.



مقدمه

هر چند مردم‌سالاری را به مردم‌سالاری مستقیم و غیرمستقیم و نیمه‌مستقیم، تقسیم می‌نمایند، ولی برخی دموکراسی مستقیم را که در آن مردم بلاواسطه در امور سیاسی خود مشارکت می‌نمایند، نه یکی از انواع دموکراسی بلکه جوهره آن محسوب می‌نمایند و مردم‌سالاری غیر مستقیم را که طی آن مردم نه به صورت بدون واسطه بلکه توسط نمایندگان خود در سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش دخالت می‌نمایند دموکراسی مجازی معرفی می‌کنند. بابایی (۱۳۸۶) با بیان اهمیت مردم‌سالاری دینی در اندیشه امام خمینی (ره) فرمود: آن عالم فقیه معتقد بود که مردم باید در فرآیند امور اجتماعی نقش مؤثری داشته باشند و رهبر بدون حضور مردم نمی‌تواند کاری انجام دهد و پشتوانه اصلی حکومت و حاکمیت مردم هستند. همچنین در جای دیگر وی بیان نمود: امام معتقد بودند که اگر مردم در صحنه و حامی حکومت باشند، حکومت و حاکمیت باقی می‌ماند؛ اگر مردم پشت حکومت را خالی کنند مسئولان نمی‌توانند باقی بمانند (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۳۴). همچنان که مشخص است، حکومت مبتنی بر نمایندگی، حکومتی است که دارای مجلسی با نمایندگان منتخب مردم بوده که قانونگذاری را بر عهده دارند. در عصر حاضر، پارلمان (مجلس نمایندگان) جلوه بارز دموکراسی است و نمایندگان وظایف و اختیارات مهمی را بر عهده دارند. واژه نماینده در لغت به معنای «آنکه می‌نماید و هویدا می‌کند، نشان دهنده و...» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۷). اما در تعریف نمایندگی به معنای عام حقوقی گفته‌اند: «نماینده، عنوان کسی است که عملی حقوقی برای دیگری و به نام او کند» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۶۹۰) که اگر انجام عمل حقوقی بر حسب امر قانون باشد، مثل ولایت بر محجورین یا قیمومت، نمایندگی قانونی و اگر با رضایت طرفین و ناشی از عقد و قرارداد باشد مثل وکالت نمایندگی قراردادی نام دارد. در اصطلاح حقوق اساسی، امروزه نماینده به معنای خاص، به کسی گفته می‌شود که طبق قوانین و مقررات، پس از اعلام نامزدی خویش توسط آرای عمومی همه مردم یا اکثریت مردم به عنوان نماینده مجلس (پارلمان) انتخاب می‌گردد (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱). در نظام اسلامی علاوه بر التزام عملی به احکام شرع و رعایت تقوا که لازمه انتخاب مردم در حکومت اسلامی است، لازم است بر کار مدیران و





زمام داران نظارت شود و آن‌ها در قبال کارهای خود پاسخ‌گو باشند. از هدف‌های مهم پاسخ‌گو دانستن منتخبان در نظام اسلامی، این است که کارها و نیروی انسانی به صورتی که پیش‌بینی شده، جریان یابد. لازمه این کار آن است که (۱) از بروز خطا و انحراف جلوگیری کند و (۲) خطاهایی را که احتمالاً پیش می‌آید، اصلاح کند. این هدف بیش‌تر بر پاسخ‌گویی منتخبان مردم در پایان کارها است؛ بدین معنا که پس از انجام هر کاری باید کار آن‌ها مورد بازبینی مجدد قرار گیرد تا در صورتی که خطایی صورت گرفته باشد، فرد پاسخ‌گوی آن باشد تا در آینده آن را تکرار نکند. در مبحث مسئولیت مدنی مهم‌ترین مسأله‌ای که مطرح می‌شود و بر مباحث دیگر سایه می‌افکند، مبانی مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده) است. در این خصوص، افزون بر دلایل مثل آیات، روایات و سیره، دو دسته مبانی مهم به نمایش گذاشته شده‌اند؛ یک دسته مبانی فلسفی و حقوقی که عمدتاً با رویکرد غیر دینی به مبحث مسئولیت مدنی منتخبان مردم نظر دارند مثل مبانی تقصیر، خطر و تضمین حق و از سوی دیگر، مبانی دیگری طرح و عنوان شده‌اند که دارای رویکرد فقهی هست (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

همچنین با دقت در متون حقوقی موضوعه ایران، مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده) بر اساس دو نظریه قابل توجه است. برابر قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی دولت در برابر مستخدمین عمومی دولتی، مبنی بر نظریه خطا و تقصیر است، ولی مسئولیت منتخبان مردم در برابر اشتباه قضات بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی مبتنی بر نظریه خطر است (کلینی‌رازی، ۱۳۵۶: ۴۵۸). اگر مسئولیت منتخبان مردم مبتنی بر نظریه خطا باشد، در این حالت برای مسئولیت مدنی منتخبان، متضرر نیازمند اثبات دو رکن است، اصل ضرر و رابطه انتساب؛ که اثبات تقصیر قبلاً باید در مراجع ذی‌صلاح صورت گیرد. اما اگر مسئولیت مدنی منتخبان مبتنی بر نظریه خطر باشد، در این صورت با اثبات ضرر و رابطه سببیت مسئولیت منتخبان مردم محقق می‌گردد (آقایی‌جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۱۸۹). آنچه امروزه بر ضرورت پردازش این موضوع می‌افزاید این است که از یک سو، مردم را در تعیین سرنوشت خود آگاه نموده و به آنان می‌فهماند که می‌بایست با دقت نظر در این امر مهم مشارکت نمایند. در واقع مردم باید بدانند که در برابر خیر و شر آن انتخاب مسئول هستند و عدم انتخاب درست می‌تواند چه تبعاتی در

پی داشته باشد. و همچنین از سوی دیگر، این موضوع چندان که تصور می‌شود ساده نیست و باید در بیان اهمیت آن گفت که حتی عدم انتخاب آگاهانه و بدون تحلیل و ارزیابی می‌تواند بار حقوقی و از نظر شرعی و دینی نیز فرد را در صورت عدم انتخاب درست مسئول گرداند، همچنین مشخص شود که سازمان‌ها و نهادهایی بر نحوه فعالیت منتخبان مردم نظارت دارند که در صورت بروز کم‌کار و یا خطاهایشان آنها را مجرم و گناهکار تلقی کنند.

بخش اول: پیشینه تحقیق

یکی از مسائلی که مورد توجه برخی افراد و مراکز حقوقی بوده، بررسی آثار فقهی و حقوقی و کالت مردم بر منتخبان خود برای اداره کشور است. در این زمینه مقالات نسبتاً جامعی نگارش شده است. نتایج این مطالعات اغلب نشان می‌دهند که ماهیت نمایندگی یک ماهیت اعتباری، امضایی و یک عقد غیر معین شرعی مستقل بین مردم و انتخاب‌شونده است، به عنوان نمونه:

- حبیب‌نژاد در سال ۱۳۸۵، طی تحقیقی که در مورد نمایندگی (وکالت) و مردم صورت داد به این نتایج دست یافت که نمایندگی مجلس پیمانی مفروض و لااقل پدیده‌ای است که در حوزه حقوق عمومی ایجاد می‌گردد و دارای ویژگیها، ضوابط و شرایط خاص خویش می‌باشد. در این پیمان مردم وظایف و تکالیفی و اختیاراتی را که در قوانین به ویژه قانون اساسی برای اعضای پارلمان معین کرده است بر دوش نمایندگان منتخب خویش می‌گذارند. به دلیل ماهیت ویژه این پیمان حتی انتخاب‌کنندگان به منتخبان خود اجازه می‌دهند که در چارچوب حاکمیت قانون و اصول عدالت و انصاف تصمیماتی هر چند برخلاف منافع و آرای شخصی آنان اتخاذ نمایند. از همان آغاز ایجاد فرایند انعقاد این پیمان مفروض، قانون است که هم بر انتخاب‌کنندگان و هم بر انتخاب‌شوندگان حاکم است. یعنی از سویی قانون هم شرایط داوطلبی نمایندگی را تعیین می‌کند و هم ضوابط مربوط به انتخاب‌کنندگان و از سوی دیگر مراحل و شرایط مختلف انتخابات را؛ لذا اگر کسی خود را طبق مقررات قانونی داوطلب نامزدی مجلس نکند، ولی همه مردم در روز انتخابات نام او را در صندوق رأی بیندازند،



نمی‌توان او را به لحاظ قانونی و نه در واقعیت نمایندهٔ مردم در پارلمان محسوب نمود (ابن منظور، ۱۴۱۱: ۱).

- زارع خورمیزی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود بیان نمودند که نمایندگی مجلس نوعی وکالت است و نماینده پارلمان در امور تقنینی و وظایف مربوط، وکیل مردم است. به تعبیر دیگر مردم (رأی دهندگان) موکل، نماینده مجلس، وکیل و رابطه بین این دو وکالت است. همچنین نظریات دیگری نیز مطرح است مانند؛ نظریه جعاله، نظریه نقابت و نظریه کارگزاری ولایت فقیه، که تلاش شده است همراه با نقد ادله، مساله را مورد واکاوی قرار داده است. در فصل آخر از این بخش، مستقل بودن نهاد نمایندگی را مورد تحلیل قرار داده است. که قول مختار نیز همین است (زارع خورمیزی و آقای طوق، ۱۳۹۱: ۱).

- ملک‌افضلی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که هرچند به نظر می‌رسد در حکومت اسلامی، مشروعیت اعمال نمایندگی وابسته به تنفیذ و تایید ولی فقیه است که در جمهوری اسلامی ایران این امر به واسطه شورای نگهبان عملی می‌شود (ملک‌افضلی و جوان آراسته، ۱۳۹۳: ۱).

بخش دوم: روش تحقیق

علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه گاه استدلالی محکمی دارد. در این تحقیق تلاش می‌شود که تمامی مطالب مرتبط با آثار فقهی و حقوق وکالت مردم بر منتخبان خود مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و لذا از روش توصیفی - استنباطی بهره برده است.

قلمرو تحقیق به لحاظ موضوعی «بررسی مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده یا رئیس جمهور) در برابر مردم از منظر فقهی و حقوقی» بود. همچنین به لحاظ قلمرو زمانی، این تحقیق در سال ۱۳۹۹ صورت گرفت و قلمرو مکانی این تحقیق در کشور ایران صورت پذیرفته است.



بخش سوم: مبانی مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نمایندگان)

در مبحث مسئولیت مدنی مهمترین مسئله‌ای که مطرح می‌شود و بر مباحث دیگر سایه می‌افکند، مبانی مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نمایندگان آنان) است و اینکه این مبانی کدام هستند؟ در این خصوص، افزون بر دلایل مثل آیات، روایات و سیره، دودسته مبانی مهم به نمایش گذاشته شده‌اند؛ یک دسته مبانی فلسفی و حقوقی که عمدتاً با رویکرد غیردینی به مبحث مسئولیت مدنی نمایندگان نظر دارند مثل مبانی تقصیر، خطر و تضمین حق (هاشمی، ۱۳۷۹: ۴۵)، و از سوی دیگر، مبانی دیگری طرح و عنوان شده‌اند که دارای رویکرد فقهی هست.

بند اول: مسئولیت مدنی منتخبان مردم از دیدگاه آیات، روایات و سیره

منابع فقه، مخصوصاً فقه اهل‌بیت (ع) وسیع و گسترده هست، به طوری که شامل آیات، روایات و سیره معصومین (ع) هست (ورداسبی، ۱۳۸۵: ۵) و لذا در این پژوهش هدف تنها بررسی موضوع از دیدگاه قواعد فقهی نیست، بلکه قبل از آن این مطلب را از نگاه برخی آیات قرآن کریم، روایات و سیره به صورت مختصر مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. آیات

الف. آیات دال بر ممنوعیت ظلم: ظلم به دیگری امر قبیحی است که عقل بر مذموم بودن آن اذعان دارد، هرچند ممکن است در مصادیق آن اختلاف نظر داشته باشد. قرآن کریم در مورد اموال یتیمان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء: ۱۰). مرحوم علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان در ذیل آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء می‌فرماید: کلمه‌ی «اکل» به (خوردن) معروف است و آن این است که خوردنی را به وسیله‌ی لقمه گرفتن و جویدن و بلعیدن مثلاً داخل جوف (شکم) کنیم و چون معنای تسلط و انفاذ در این عمل نهفته است پس خوردن مصداق بارز تصرف محسوب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۴۵). بنابراین، یکی از معانی اُکل «مطلق تصرف» هست و اگر این تصرف ظلمانی و غیر قانونی باشد، حرمت آن ثابت است (طریحی، ۱۴۰۸: ۵۴۱). آنچه در بحث مسئولیت مدنی منتخبان





مردم (نمایندگان) مهم است، امکان استخراج حکم وضعی ضمان و الزام به جبران خسارت از آیه هست. در این باره به نظر می‌رسد حکم تکلیفی ممنوعیت تصرف در مال یتیم، مستنبط از آیه «حرمت» مستلزم کشف حکم «وضعی» ضمان است (علامه حلی، ۱۴۲۷: ۳۵۴)؛ زیرا ممنوعیت ظلم با زدودن آثار ظلم ملازمه دارد؛ به عبارت دیگر همانگونه که ظلم ممنوع است، از میان بردن آن و آثارش لازم می‌باشد و این به معنای اشتغال ذمه‌ی متصرف به جبران خسارت است (راغب‌اصفهانی، بی‌تا: ۵۴). کسی که به «حکم تکلیفی» حرمت قائل باشد، به ناچار بر چنین متصرف ظالم و غیر قانونی توبه لازم است و در توبه اموری که به حق الناس مربوط است، نخستین گام، بازگرداندن حق و جبران خسارت زیان‌دیده و قرار دادن وی در حالت سابق است و زدودن آثار ظلم از لوازم توبه محسوب می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۸۷).

ب. آیات دال بر ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران: آیات متعدد در قرآن کریم مبنی بر ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران مشاهده می‌شود. در برخی آیات آشکارا کلمه‌ی ضرر یا ضرار ذکر شده است مثل «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]» (بقره: ۲۳۳). «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مومنان است» (توبه: ۱۰۷). همانگونه که پیدا و هویداست این آیات از اضرار در موارد معین و به‌خصوص نهی کرده است و ممنوع می‌سازد ولی چنانکه به‌حق و به‌درستی گفته‌شده این موارد هیچ‌گونه خصوصیت و موضوعیتی ندارند و به‌طور کلی می‌توان گفت قرآن هرگونه ضرر و اضرار را به‌صورت حکم کلی ممنوع ساخته است (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۴۹)؛ زیرا قیاس اولویت اقتضا می‌کند که اگر مثلاً در مسئله‌ی وصیت و دین - با اینکه با مال خود میت بوده است - طبق آیه ضرر رسانیدن ممنوع باشد، به طریق اولی ضرر به مال، جان و شخصیت مردم که حق الناس هست توسط نمایندگان نیز ممنوع خواهد بود (ابن‌بابویه‌قمی، ۱۳۷۸: ۴۹۸). اما آنچه از آیات مطلوب و موردنظر ماست تنها حکم تکلیفی ممنوعیت ضرر نیست بلکه درصدد حکم وضعی یعنی جبران خسارت زیان‌دیده از سوی نمایندگان مردم هستیم (ابوداود العجستانی، ۲۰۰۱م: ۴۷). در این باره می‌توان گفت در آخرین

آیه‌ی که ذکر شد خداوند علاوه بر اینکه به حکم تکلیفی قتل اشاره دارد و آن را ممنوع ساخته است، به حکم وضعی نیز اشاره می‌کند و پرداخت دیه را لازم دانسته است (البخاری، ۱۹۹۸: ۹۸). چنانکه می‌دانیم، درباره ماهیت دیه اینکه مجازات است یا جبران خسارت اختلاف نظر است ولی در اینکه ماهیت دیه دست کم در موارد قتل خطایی مجازات نیست، بلکه پرداخت خسارت است، اتفاق نظر وجود دارد و قرآن در مورد آن حکم وضعی را مدنظر داشته است (بخاری، بی تا: ۲۶۹). از این رو، این سخن قابل پذیرش نیست که بگوییم آیاتی که در قرآن به بحث ضرر و ضرار پرداخته‌اند، سخنی از حکم وضعی و جبران خسارت ندارند.

۲. روایات

بدون تردید، واضح‌ترین، رساترین و قدیمی‌ترین عبارات که مربوط به چهارده قرن پیش است، در مورد مسئولیت مدنی نمایندگان و منتخبان مردم، در نهج البلاغه وجود دارد (خالدی، ۱۴۰۶: ۵۹۳). در موارد متعدد، امام علی (ع) به فرمانداران، کارگزاران و مدیرانش توصیه می‌کند تا به رعیت ضرر نرسانند، کارمندان خوب را بر کارها بگمارند و اگر خسارت به مردم وارد شد، آن را باید جبران کنند و اموال را از زیان زنده باز پس گیرند و حتی دیه‌ی خطایی را نیز بپردازند. لذا آن بزرگوار خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و إن ابتليت بخطي و أفرط عليك سوطك فإن في الوكزه فما فوقها مقتله فلا تطمحن بك نحوه سلطانك عن أن تؤدى إلى أولياء المقتول حقهم...؛ اگر به خطا خون کسی را ریختی، یا تازیانه یا شمشیر، یا دست دچار تندی روی شد، نباید غرور قدرت تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان بازدارد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۴۱۸). چنانکه واضح و روشن هست امام علی (ع) یکی از نمایندگان و منتخبان مردم، حکومتش را از ضرر زدن به مردم منع و وی را ملزم می‌سازد که در صورت زیان به اشخاص خسارت وارده را جبران نماید. آن حضرت در نامه‌ای به اشعث بن قیس - فرماندار خود در آذربایجان - می‌نویسد: «همانا پُست فرمانداری برای تو وسیله‌ی و آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست... حق نداری به رعیت ظلم و استبداد ورزی و در مورد مردم مطابق نظر و میل خود رفتار کنی. در امور مالی باید پس از اطمینان اقدام کنی، ثروتی که



در اختیار توست، از اموال خدای عزوجل است و تو انباردار آن و در مقابل خدا و خلق مسئولی» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۵). بنابراین، مسئولیت‌پذیری زمامداران و منتخبان حکومتی همان پاسخگوی در برابر وظایفی هست که در حیطه‌ی مدیریتی خودشان به عهده دارند و یا حیانا ضررها و خسارات که در اثر تقصیر، سستی و کاهلی، بی‌مدیریتی و عدم آینده‌نگری از سوی آنها به افراد و جامعه وارد می‌شوند (مروارید، ۱۴۱۰: ۱۰۱).

۳. سیره

علاوه بر آیات و روایات، به سیره‌ی معصومین (ع) نیز می‌توان برای این مطلب استناد و اشتهاد نمود؛ و لذا در این بخش به عنوان نمونه از سیره، به دو مورد بسنده می‌کنیم که می‌توان از آنها مسئولیت مدنی منتخبان مردم را استخراج و برداشت نمود:

الف. داستان خالدبن ولید که رسول خدا (ص)، او را برای دعوت به اسلام به سوی قبیله‌ی بنی‌جدیمه فرستاد و بین آنها درگیری به وجود آمد. در آن حادثه، رسول اکرم (ص) خالد را با نهی از برخورد و نبرد به سوی آن قبیله فرستاد؛ اما وی طبق میل خود، آنان را بست و تعدادی از آنها را کشت و اموالشان را غارت نمود. پیامبر (ص) با شنیدن این خبر، از عمل خالد براءت جست و به دنبال آن علی (ع) را با مقداری پول و اموال به‌عنوان خون‌بها و تاوان خسارات مادی و معنوی نزد آنان فرستاد. علی (ع) خون‌بهای کشتگان را از همان پول پرداخت و خسارات مالی آنان، حتی ظرف آب‌خوری سگ‌هایشان را هم به حساب آورد و تاوان آن را داد و مازاد بر آنها را به مردم آن قبیله بخشید. پیامبر (ص) با تأیید این کار، از علی اظهار خشنودی کرد (نجفی، بی‌تا: ۲۶۹).

ب. و نیز داستان داوری حضرت امیر (ع) در دوران حکومت عمر (خلیفه دوم) نمونه‌ی دیگری برای مسئولیت مدنی نمایندگان ارشد و پرداخت خسارت است. تفصیل داستان از این قرار است: «خبر به خلیفه‌ی دوم رسید: زنی بدکاره است. عمر مأموری را در پی او فرستاد و او را ترساند و دستور داد تا او را بیاورند. زن ترسید و درد زایمان او را فراگرفت و به خانهای رفت، پسری زایید. پسر صدایی کرد و مُرد. خلیفه‌ی دوم از این واقعه نگران شد. پیرامونیان وی



گفتند: ای امیر مؤمنان! بر تو گناهی نیست و چیزی به عهدهات نیست. بعضی گفتند: این چه حکمی است؟ عمر گفت: از ابوالحسن پرسید. حضرت علی (ع) فرمود: اگر اجتهاد کردید، به واقع نرسیدید و اگر به رأی خود گفتید، خطا کردید؛ سپس حضرت فرمود: دیه طفل به عهده توست» (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۳۶۹).

اینکه علی (ع) به خلیفه‌ی دوم فرمود که: «اگر به رأی خود گفتید، خطا کردید؛ سپس حضرت فرمود: دیه طفل به عهده‌ی توست» صراحت در مسئولیت مدنی نمایندگان و کارگزاران حکومت و دولت دارد (ابن هشام، بی تا: ۱۴۸).

بخش چهارم: مسئولیت مدنی منتخبان مردم از منظر قواعد فقهی

قواعد مهم فقهی مثل اتلاف، لا ضرر، ضمان، غرور، تسبیب و... در زمینه‌های مختلف کاربرد دارند و لذا می‌توان از آنها به تناسب هر بحثی، بهره برد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۸). در این پژوهش به سه قاعده اشاره خواهد شد و از ذکر قواعد دیگر به جهت اطالهی کلام، خودداری می‌شود.

بند اول: قاعده‌ی اتلاف

اولین قاعده‌ای فقهی که از مدارک و مبانی اصلی ضمان به شمار می‌رود عبارت است از قاعده‌ی اتلاف که منظور از آن به‌طور اجمال این است: هرگاه کسی مال دیگری یا منافع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف نماید، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول خواهد بود. مال نیز در اصطلاح چیزی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن مورد رغبت عقلا بوده و در مقابل آن عوضی پرداخت می‌شود (موسوی خمینی، بی تا: ۴۹۸). عبارات و تعبیر فقها در این مورد فراوان است و از مجموع آنها این مطلب به دست می‌آید که اتلاف موجب ضمان است؛ بنابراین، اگر شخصی حقیقی یا حقوقی و در مورد بحث ما منتخبان مردم (نماینده یا رئیس جمهور)، موجب اتلاف مال گردد، باید جبران خسارت نیز از ناحیه‌ی مدیر متلف باشد و لذا هرگاه به نماینده «متلف» صدق کند او نیز مسئول اعمال زیانبار خویش است (جوهری، ۱۲۷۰: ۴۵۶). در فقه اسلامی اتلاف، به اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب تقسیم شده است. در





اتلاف، شخص مباشر تلف است نه مسبب آن و در تمییز مباشر از زمینه‌سازان تلف، بهترین معیار عرف است که قضاوت می‌کند که آیا رابطه کار زیانبار و تلف مال رابطه‌ای مستقیم و بی‌واسطه است یا نه؟ بنابراین، در تحقق اتلاف، کافی است که رابطه علیت بین فعل شخص و تلف مال موجود باشد. غیر عمدی بودن اتلاف مانع ایجاد مسئولیت نیست و تقصیر تلف‌کننده از عناصر آن به شمار نمی‌رود پس اگر کسی تیری رها کند و بدون قصد و تقصیر حیوانی را بکشد، ضامن است (نائینی، ۱۳۷۴: ۵۹۸). برخی بر این عقیده‌اند که قاعده اتلاف فقط در مورد از بین رفتن اموال جریان می‌یابد. بدین ترتیب اگر نتیجه تخلف از اجرای تعهد مستقیماً از بین رفتن مال است، مثلاً اگر شخصی اجیر شده تا درختان باغی را آبیاری کند و در نتیجه سهل‌انگاری در آبیاری، درختان باغ خشک شود، تردیدی در ضمان اجیر نیست؛ ولی این ضمان در حدّ مسئولیت مدنی قیمت اصله‌های درخت است و نمی‌توان از او قیمت میوه‌هایی را که در صورت آبیاری مدیران دولت از منظر به عمل می‌آمد مطالبه کرد. در فقه، مسائلی وجود دارد که به وضوح نشان می‌دهد فقه و حقوق در جایی که مال موجود تلف نشده، ضمانی هم در میان نیست. مثلاً اگر شخصی مال دیگری را غصب کند و مانع فروش آن شود تا قیمت کالا در بازار پایین آید مشهور معتقدند ضامن نقصان قیمت بازار نیست؛ چرا که مالی از بین نرفته است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۴۵).

بند دوم: قاعده‌ی لا ضرر

یکی از قواعد که بنا بر بعضی مسالک؛ آثار مهم و زیادی در فقه دارد قاعده: «لا ضرر و لا ضرار» است (ابن منظور، ۱۴۱۱: ۴۵۶). این قاعده به صورت مستقل یا در ضمن مباحث دیگر توسط بسیاری از فقها مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد آن کاویده شده است. قاعده لا ضرر که مستفاد از حکم عقل و آیات و روایات فراوان است و به معنای نفی هرگونه ضرر و خسارت به دیگران هست، مستلزم اثبات مسئولیت مدنی برای منتخبان و نمایندگان است که موجب ورود خسارت به زیان‌دیده می‌شوند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷: ۶۵۴). لذا در مواردی که تصمیمات نمایندگان مبتنی بر تقصیر یا مسئولیت باشند و منجر به هرگونه ضرر مالی، بدنی،

حیثیتی برای اشخاص شوند در برابر آن اشخاص مسئولیت مدنی دارند و در مواردی که خسارات وارده به اشخاص ناشی از خطا و اشتباه مدیران، باشد دولت مسئول پرداخت خسارت یا اعاده حیثیت اشخاص است (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۳۶۹). در مورد مدرک و مستند قاعده و منصوص و غیرمنصوص بودن آن در جای خودش بحث‌های فراوان صورت گرفته است و به عقیده بسیاری از فقها، دلیل عمده قاعده لاضرر روایت است (نائینی، ۱۳۵۸: ۵۶)؛ اما در مورد مفاد و دلالت قاعده بر مقصود دو نظریه وجود دارد. بنا بر نظریه‌ی غیر مشهور که مبتنی بر نفی ضرر غیرمتدارک هست بر این بیان استوار است که «لا» در مفهوم حقیقی استعمال شده است؛ ولی منظور از ضرر در آن، ضرر غیرمتدارک است؛ یعنی ضرر غیرمتدارک در اسلام وجود ندارد. پایه استدلال ایشان این است که چون در عالم خارج، ضررهای فراوانی وجود دارند؛ پس نفی حقیقی ضرر نمی‌تواند مقصود باشد، بلکه منظور از نفی ضرر، ضرر بدون جبران است؛ در نتیجه هر ضرری دارای جبران هست و تعهد به جبران خسارت، همان مسئولیت مدنی نمایندگان و منتخبان مردم است (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۶۹۸).

بند سوم: قاعده ضمان ید

به موجب این قاعده هر کس به صورت عدوانی و بدون اذن و احسان، بر مال دیگری تسلط پیدا کرد و آن مال تلف یا ناقص شود، آن شخص ضامن خواهد بود. بنابراین، تصرف مال دیگری موجب ضمان متصرف در مقابل مالک هست. حدیث نبوی «علی الید ما أخذت حتی تُؤدیه» به این مطلب اشاره دارد. مستند این قاعده بنای عقلا و سیره اسلامی و سنت بیان شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۶). برخی از محققین دلالت این قاعده را بر ضمان تام و کامل می‌دانند و می‌گویند: «فالدلالة تامه کامله و ظاهره تحقق الضمان علی مطلق الید» (خوبی، ۱۴۰۷: ۱۶۹). و در ادامه می‌نویسد که اگر مال در خلال استیلاهی شخص مستولی تلف شود و مسترد نگردد، طبق نظر مشهور فقها، ضامن هست: «و إذا تلفت المنافع خلال الاستیلاء بدون الإستیفاء، هل تكون مضمونه أم لا؟ المشهور هو الضمان» (حلی، ۱۴۰۳: ۴۵۸). اثبات ضمان و مسئولیت، توسط قاعده‌ی «ضمان ید» از نظر بیشتری فقها پذیرفته شده است، اما مورد اختلاف و گفتگو،



دایره و قلمرو قاعده است. برخی مدلول آن را حتی نسبت به ضمان مثل و قیمت و منافع مستوفات و غیر مستوفات، اعیان و غیر اعیان فراگیر دانسته‌اند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۴۵). برخی دیگری حدود و گستره‌ی آن را، ویژه‌ی ضمان اعیان شمرده‌اند (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۱۶۹). ثمره اصلی این بحث و ارتباط آن با موضوع بحث در شیوه‌های جبران خسارت معلوم می‌گردد؛ بنابراین اگر سخن مشهور را بپذیریم و قلمروی قاعده را فراگیر بدانیم، در این صورت مسئولان و مدیران در صورت وارد کردن خسارت غیرقانونی و عُدوانی به دیگران، ذمه‌ی آنها به ضمان رد عین، قیمت یا مثل آن اشتغال دارد.

بخش پنجم: مسئولیت مدنی منتخبان مردم از دیدگاه حقوقی

در حقوق نوین نظریات و دیدگاه‌های مختلفی در خصوص مسئولیت مدنی بیان شده است. گرچه بیشتری محققین از این نظریات، برای «مسئولیت مدنی نمایندگان و منتخبان» استدلال و فقه و حقوق استناد کرده‌اند و قید «منتخبان مردم» کمتر مورد استفاده قرار گرفته است، اما با اندک تأمل و تفکر می‌توان دریافت که وقتی بتوان با این مبانی برای مسئولیت دولت استدلال نمود به طور قطع مسئولیت مدنی منتخبان مردم که زیرمجموعه‌ی دولت هستند نیز قابل استخراج است.

بند اول: مبنای تقصیر

نظریه تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی منتخبان مردم ریشه در بنیان‌های نظری و فلسفی دارد که به‌موجب آن، هدف قواعد حقوق تأمین آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی اوست. توجه به آزادی، اراده و اختیار موجب شد که ضمان قهری مسئولیت، ناشی از تقصیر قلمداد شود. کسی را می‌توان مسئول خسارت دیگری دانست که تقصیر او سبب ورود ضرر باشد، زیرا مسئولیت تنها در موردی ایجاد می‌شود که شخص، کار نامشروعی را به‌عمد، انجام دهد یا در اثر خطای او، زیانی وارد آید (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲). مسئولیت بر مبنای تقصیر محقق می‌گردد؛ بدین معنا که ضرری که به دیگری وارد می‌شود، باید در نتیجه‌ی عمد یا بی‌احتیاطی صورت بگیرد (امامی، ۱۳۷۶: ۴۹۸). تقصیر از حیث عنصر معنوی به‌عمد،



در حکم عمد، یا تقصیر سنگین و غیر عمدی تقسیم شده است. در تقصیر عمدی، مرتکب هم در فعل زیانبار و هم در خسارت حاصل از آن، عامد و مقصر است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۱۶۹). در تقصیر سنگین نیز، عامل زیان، قصد اضرار ندارد، لیکن اقدام وی به گونه‌ای است که معمولاً عامداً اضرار به غیر بدان، مبادرت می‌ورزند و رفتارشان چنان است که وقوع خسارت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و بر کار چنین شخصی نتایج عمد بار می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۶). ضرری که نماینده یا رئیس جمهور به مردم وارد می‌سازد گاهی ناشی از تقصیر و قصور شخصی وی هست. اینگونه تقصیرات از حیث شدت و ضعف عنصر معنوی زیان زننده و همچنین درجه انطباق عمل با معیارهای پذیرفته شده عرفی یا قانونی به: عمد؛ مسامحه، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی؛ و عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی تقسیم‌پذیر است. در صورت اثبات هر کدام از موارد فوق نماینده در برابر خسارت که به دیگران وارد می‌گرداند، مسئول هست (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲۵۱). در برخی موارد تقصیر دلایل عینی دارد از قبیل نقص کمی وسایل، نقص کیفی وسایل (کهنگی، به‌روز نبودن، ضعف، اشکالات فنی، کم‌سرعتی)، در این صورت آیا مرجع عمومی مقصر تلقی می‌گردد (ورداسی، ۱۳۸۵: ۶۹). در بعضی موارد، زیان وارده از سوی نماینده و کارگزار ناشی از ضعف قانون، مصوبات و آئین‌نامه‌های دولتی هست (نه به جهت دلایل معنوی و عینی). در چنین صورتی، بر طبق قانون مدیر دولت در قبال ضرر وارده، مسئول نخواهد بود، بلکه دولت مسئول هست و در برخی کشورها (ایران) دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» برای همین منظور زیر نظر رئیس قوه قضائیه، تأسیس گردیده است؛ بنابراین، اگر شخص به جهت مصوبات دولتی و ضعف قوانین زیان‌دیده باشد، می‌تواند به آن دیوان شکایت نمایند و تقاضای جبران خسارت کند (امامی، ۱۳۷۶: ۵۶۱). ارتباط این قاعده با بحث مورد نظر ما، بدین ترتیب هست که اگر نماینده‌ای باعث ضرر و زیان به دیگری شود و خسارت هم مبتنی و مستند به تقصیر او باشد و این مطلب از سوی زیان‌دیده اثبات گردد، در این صورت وی مسئول و ضامن است و موظف به جبران خسارت می‌باشد (بخاری، بی‌تا: ۷۸).



بند دوم: مبنای خطر

«نظریه‌ی خطر» نسبت به «مبنای تقصیر» از دامنه و دایره‌ی گسترده‌تری برخوردار است. از این‌رو در این نظریه گفته می‌شود که هرکسی که به فعالیتی پردازد، محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و چنین کسی که از این محیط منتفع می‌شود، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۳). مطابق نظریه مزبور، فعالیت‌های دولت، حتی اگر هم بدون تقصیر انجام پذیرد، می‌تواند موجب خطر باشد هرگاه فعالیت خطرناک یا خطرناکی انجام گیرد و در این میان اشخاص متضرر شوند، نماینده که به آن فعالیت مبادرت نموده مسئول جبران خسارت وارد به افراد خواهند بود، حتی اگر نهایت مراقبت و دقت را در انجام عمل خود نموده باشند، چراکه نفع حاصل از آن فعالیت، به وی باز می‌گردد (ملک‌افضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴). بدین ترتیب حتی نماینده بدون ارتکاب هیچ‌گونه تقصیری باید از عهده خسارت برآید.

بند سوم: مسئولیت مدنی منتخبان مردم (نماینده) در حقوق موضوعه

گرچه از مفاد حقوق ایران (اساسی، جزایی، مدنی) نمی‌توان به‌صراحت مسئولیت مدنی نمایندگان را استخراج نمود، لیکن با اندک تأمل و تدقیق در اصل ۱۷۱ و ۱۷۳ قانون اساسی و مواد ۱، ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، این مسئولیت قابل استنباط و فهم است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۹۹)، و مفهوم کلمات مثل: «کارمند»، «مأموران دولتی»، «کارفرمایان» و «قضات» به‌خوبی قابل تسری به موضوع مورد بحث هست (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸).

نتیجه‌گیری

قواعد مسئولیت مدنی در یک نظام فقهی و حقوقی متأثر از اندیشه‌های فلسفی حاکم بر آن نظام است. طرز تلقی از فرد، جامعه و آموزه‌های بنیادینی چون عدالت، انصاف، هنجارهای اخلاقی و مانند آن بر سیاست‌گذاری و تعیین اهداف و مبنای مسئولیت مدنی موثر است. دلالت آیات، روایات و سیره‌ی به‌جامانده از معصومین (ع) بر مراد و مقصود صریح و فقه و حقوق



روشن بود. از بین قواعد فقهی هرچند قاعده‌ی اتلاف به‌طور واضح و روشن دلالت بر اثبات موضوع این پژوهش داشت، اما از مجموع قواعدی دیگر می‌توان ضمان و مسئولیت مدنی منتخبان مردم را به دست آورد و در نتیجه بر طبق قواعد مذکور، اگر نماینده‌ای به دیگران خسارت وارد کند، در قبال ضررهای وارده مسئول است و ملزم به جبران خسارت می‌باشد. اثبات مسئولیت مدنی از دیدگاه مبانی حقوق نوین، بدین گونه بود که پیروان نظریه تقصیر فقط کسی را مسئول می‌شناختند که عمل او قابل سرزنش باشد. در واقع معیار مسئول شناختن افراد و ملزم نمودن آنان به جبران خسارت، داوری عرف بود که بایستی عمل فرد را قابل نکوهش می‌دانست. به تدریج جریانات و نظریات دیگری به وجود آمد که نظریه تقصیر را از این معیار اخلاقی دور نمود. چون در بسیاری مواقع خسارت وارده بر افراد زیان‌دیده با استفاده از این معیار قابل جبران نبود. بر اساس نظریه خطر، هر شخص مسئول خساراتی است که از ناحیه او وارد شده است اعم از اینکه عمل او قابل نکوهش باشد یا نه. نظریه خطر قلمرو مسئولیت را گسترده‌تر نمود. انواع و اقسام ضرر و خسارت، شامل ضرر حال و آینده، ضررهای مادی (مالی، سلامتی)، ضررهای معنوی مثل لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی، تهمت‌های سیاسی، از بین بردن وجهت اجتماعی افراد، ضرر زدن به اعتبار شغلی و نیز درد و رنجی که در اثر حادثه‌ای عارض شخص می‌شود، امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد. در پایان گفته شد که تحقق ضرر مبتنی بر شرایط خاص است که در صورت وجود آنها ضرر صدق می‌کند و آن شرایط عبارت بودند از: مسلم بودن ضرر، مستقیم بودن ضرر، اینکه جبران نشده باشد، لطمه و ضرر ناشی از حق قانونی باشد، مشروع بودن ضرر، ضرر باید ناشی از اقدام و کاهلی زیان‌دیده نباشد. به طور کلی اگرچه نظام فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی منتخبان در ایران، نسبت به بسیاری از نظام‌ها و مکاتب، از ظرفیت خوبی برخوردار است؛ اما پالایش قوانین موضوعه و همسو سازی آن با قواعد فقهی و در نهایت ایجاد یک تئوری شفاف و مساله اساسی‌سازی حق بهره‌مندی از مسئولیت مدنی، به ویژه درباره مسئولیت مدنی نماینده و قانون‌گذار، مورد پیشنهادی این پژوهش است، چرا که «تلاش برای حفظ حداکثری حقوق شهروندان، مهمترین وظیفه منتخبان مردم (نماینده) به شمار می‌رود».



منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۷۶ش)، حقوق مدنی، تهران: اسلامیه.
- آقایبی جنت مکان، حسین (۱۳۹۰ش)، حقوق کیفری عمومی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- بابایی، رضا (۱۳۸۶ش)، حکایت پارسایان: داستان‌های عرفانی، تهران: انتشارات کتاب مسافر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش)، غررالحکم، تحقیق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸ش)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رستمی، ولی و علی بهادری جهرمی (۱۳۸۸ش)، مسئولیت مدنی دولت، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۹.
- زارع خورمیزی، عباس و آقایبی طوق، مسلم (۱۳۹۱ش)، «تیین مفهوم اصل عدم تفویض قانون‌گذاری در پرتو اصل برتری
- قانون اساسی: نقدی بر رویه‌ی شورای نگهبان»، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، تهران، ۱۴، ۳۸، صص ۷۷-۹۹.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷ش)، رسائل مشروطیت، تهران: کویر.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲ش)، حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۲ش)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷ش)، مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸ش)، گامی به سوی عدالت، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۶ش)، فروع کافی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
ملک‌افضلی، محسن و جوان‌آراسته، حسین (۱۳۹۳ش)، حقوق اساسی، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ورداسی، ابوذر (۱۳۸۵ش)، ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله نائینی، تهران: انتشارات اسلام و سیاست.

هاشمی، سید محمد (۱۳۷۹ش)، حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر.

ب. منابع لاتین

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیو اخبار الرضا، تصحیح سید مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۰۸هق)، المسند، بیروت: مؤسسه الکتاب الثقافیه.

ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۱هق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابن هشام، ابو محمد عبد الملک (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابوداود الجستانی (سلیمان) (۲۰۰۱)، السنن: چهار جلدی، بیروت: مطبعه مصطفی محمد.

بحرالعلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق)، بغه الفقهیه، جلد ۴، بی جا: نشر المکتب الحاذق.

بخاری (۱۹۹۸)، الجامع الصحیح، مطبعه الحلبي، ۷ جلد، تهران: دار البخاری.

بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، بیروت: مکتبه الثقافیه.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۲۷۰هق)، الصحاح اللغه، گردآورنده: احمد عبدالغفور عطار، تهران: انتشارات امیری.

حسینی شیرازی (۱۴۰۷هق)، سید محمد، الفقه، بیروت: دارالعلوم.

حلی، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۴۰۳ق)، معارج الاصول، جلد ۱، قم: مؤسسه آل البيت.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی